

زندگی حکمت آمیز

منبع: روزنامه شرق، صفحه آخر، پنجشنبه، مورخ: ۱۹/۳/۶

به اقتضای تخصص و علاقه‌ام، عموم آثاری را که در باب فلسفه ویتگنشتاین در قالب تألیف و ترجمه به زبان فارسی منتشر می‌شود، می‌خوانم. چندی پیش کتاب نیکوی "ویتگنشتاین و حکمت" نوشته دوست عزیز مالک حسینی را خواندم. کتاب که در اصل به زبان آلمانی نوشته شده، رساله دکتری اوست که به زبان فارسی برگردانده شده است. "حکمت" واژه‌ای است که در آثار ویتگنشتاین به تفاریق بدان اشارت رفته است. هرچند حدوداً بیست بار این واژه در نوشته‌های ویتگنشتاین ذکر شده، اما علی‌الظاهر او سرمایه‌گذاری چندانی روی آن نکرده است. ابداع و ابتکار مالک حسینی در این است که در "ویتگنشتاین و حکمت" کوشیده تا مجموعه کندو کاوها و فعالیت‌های پراکنده و درازآهنگ ویتگنشتاین در عمر خویش را حول مفهوم "حکمت" سامان بخشد و از مؤلفه‌های مختلف آن پرده برگیرد. مقوله "حکمت" در فلسفه حکمت‌آمیز و زندگی حکمت‌آمیز بروز و ظهور پیدا می‌کند. زندگی حکمت‌آمیز، زندگی اصیلی است که پس از فرو نشستن تلاطم‌ها و زیر و زبر شدن‌ها و سرگشتگی‌های وجودی در می‌رسد؛ زندگی‌ای که توأم با شورمندی و گرمی چندانی نیست؛ اما در عین حال فسرده‌گی و یأس نیز در آن بر فرد مستولی نشده است. زندگی‌ای که توأم با طمأنینه و آرامش است؛ هرچند اطمینان نظری چندانی در آن دیده نمی‌شود. مرگ‌اندیش بودن و ابن‌الوقت بودن و در بند گذشته دود شده و به هوا رفته و آینده نیامده و نامعلوم نبودن و "آب‌تنی کردن در حوضچه اکنون" و در احوال خویشتن غوطه خوردن از اوصاف زندگی حکمت‌آمیز است. گویی حکمت بسان امواجی است که در بستر دریا پدید می‌آید؛ امواجی که در عمق دریا ظاهر می‌شوند و در عین حال بروز و ظهوری ندارند و در منظر و مرئای همگان نیستند، برخلاف امواجی که با سر و صدای فراوان در سطح دریا پدید می‌آیند و تاب مستوری ندارند. این زندگی حکمت‌آمیز با فلسفه حکمت‌آمیز عجین می‌شود. مفهوم "ممارست

کردن" و "ورزیدن" در فلسفه ویتگنشتاین متأخر محوریت دارد. به توضیحی که به تفصیل در "کاوش‌های فلسفی" ویتگنشتاین آمده، برای احراز معانی مفاهیم باید از بدست دادن صورت‌بندی نظری (theoretical articulation) دست کشید و پا در وادی عمل نهاد و به دیدن شباهت‌ها و عدم شباهت‌های نمونه‌ها و مصادیق گوناگون همت گمارد. چنین است که فلسفه حکمت‌آمیز هم‌عنان است با عمل کردن بجای سخن گفتن و بحث و فحص فلسفی در معنای متعارف. هنگامیکه ویتگنشتاین از فلسفه به مثابه درمان سخن می‌گوید و مانند یک طبیب به رفع کژتابی‌ها و رهزنی‌ها از نواحی مختلف قلعه هزار توی زبان همت می‌گمارد، نگرش فلسفی خویش را متناسب با همین آموزه عمل‌گرایانه سامان می‌بخشد.

"ویتگنشتاین و حکمت" با تتبع عالمانه در اقوال و احوال اگزیستانسی ویتگنشتاین، مقومات زندگی حکمت‌آمیز و فلسفه حکمت‌آمیز در منظومه ویتگنشتاین را بخوبی برآفتاب افکنده است. خواندن این کتاب برای کسانی که درباره زندگی حکمت‌آمیز می‌اندیشند و می‌خواهند با اخگرها و بارقه‌های این فیلسوف بزرگ وینی قرن بیستم در این باب آشنا شوند، لذت‌بخش و بصیرت‌آموز است.